

کارشناس مسائل بین الملل:
کنفرانس مونیخ، محفل تحقیر اروپا
و اپوزیسیون توسط آمریکایی ها



رئیس مجلس شورای اسلامی:

آینده فلسطین را هیچ قدرت استعماری دیگری تعیین نخواهد کرد



خبر

جنگل‌های میکرو؛ راه‌حلی نوین برای احیای طبیعت در شهرهای آلوده

سپهرغرب، گروه شهر؛ شهرهای شلوغ و آلوده جهان با چالش‌های زیست‌محیطی جدی مواجه‌اند، اما جنگل‌های میکرو به‌عنوان راه‌حلی نوآورانه در حال تغییر این روند هستند. این جنگل‌های کوچک و متراکم که با استفاده از گونه‌های بومی در فضاهای محدود شهری کاشته می‌شوند، به کاهش آلودگی و بهبود کیفیت هوا کمک می‌کنند.

در شهرهای شلوغ و آلوده، تحولی سبز در حال شکل‌گیری است که به بازگرداندن طبیعت به فضاهای شهری کمک می‌کند. جنگل‌های میکرو، که به‌عنوان نواحی کوچک و متراکم از درختان جنگلی تعریف می‌شوند، در شهرهایی از جمله لندن و لس‌آنجلس کاشته می‌شوند. این جنگل‌ها با استفاده از تکنیک جنگل‌کاری میاواکی که توسط پروفیسور آکیرا میاواکی، متخصص گیاه‌شناسی ژاپنی، در دهه ۱۹۷۰ توسعه یافته است، ایجاد می‌شوند.

طبق گزارش سازمان ملل در سال ۲۰۲۰، بیش از ۴۲۰ میلیون هکتار جنگل از سال ۱۹۹۰ به دلایل مختلف از بین رفته است. با توجه به اینکه بیش از ۸۵ درصد جمعیت جهان در مناطق شهری زندگی می‌کنند، جنگل‌های میکرو فرصتی حیاتی برای مبارزه با تخریب جنگل‌ها فراهم می‌آوردند. این جنگل‌ها می‌توانند در زمین‌هایی به مساحت نه متر مربع ایجاد شوند و تنها از گونه‌های بومی استفاده می‌کنند که به‌طور طبیعی در آن منطقه رشد می‌کنند. این جنگل‌ها تا ۱۰ برابر سریع‌تر از جنگل‌های تک‌گونه‌ای رشد می‌کنند و در مدت دو تا سه دهه به بلوغ می‌رسند.

از سال ۲۰۲۲، NGO Earthwatch Europe موفق به کاشت ۲۸۵ جنگل کوچک شده است که هر کدام شامل ۶۰۰ درخت هستند و می‌توانند بیش از ۵۰۰ گونه گیاهی و جانوری را در سه سال اول جذب کنند. NGO Earthwatch Europe یک سازمان غیر دولتی محیط زیستی است که هدف آن حمایت از تحقیقات علمی و حفاظت از محیط زیست از طریق همکاری و مشارکت داوطلبانه است. این سازمان بخشی از شبکه‌ای بین‌المللی است که به حفظ تنوع زیستی و یکپارچگی حیات روی زمین برای نسل‌های کنونی و آینده متعهد است.



این پروژه‌ها شامل مکان‌هایی مانند زمین‌های ورزشی و پارک‌ها در هارینگی شمال لندن هستند. همچنین برنامه‌ای به نام سوگی SUGi نیز ۲۳۰ جنگل جیبی را در ۵۲ شهر مختلف جهان از جمله تولوز فرانسه و مادرید اسپانیا ایجاد کرده است. جنگل‌های میکرو نه‌تنها کیفیت خاک، آب و هوا را در مناطق آلوده شهری بهبود می‌بخشند بلکه با ایجاد زیستگاه‌هایی برای حیات وحش مانند پرندگان و چوندگان، تنوع زیستی را افزایش می‌دهند. این جنگل‌ها همچنین با جذب باران‌های سنگین و کاهش دما، تأثیرات منفی تغییرات آب و هوایی را کاهش می‌دهند.

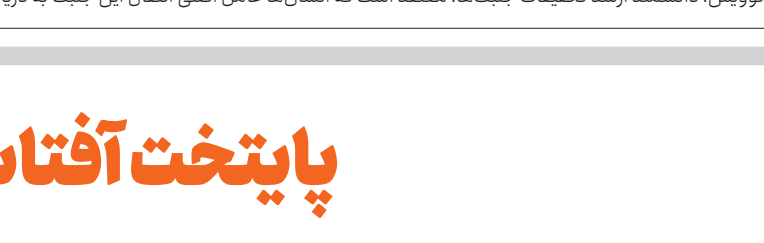
الیز ون میدلم، بنیان‌گذار SUGi، تأکید می‌کند که این جنگل‌ها تأثیرات مثبتی بر روحیه جامعه دارند. تعامل با طبیعت می‌تواند استرس را کاهش دهد و علائم مشکلات روانی مانند اضطراب یا افسردگی را بهبود ببخشد. همچنین این مکان‌ها به‌عنوان نقاط تعامل اجتماعی عمل می‌کنند و حس ارتباط انسانی را تقویت می‌کنند.

با وجود مزایای فراوان، چالش‌هایی نیز در کاشت این جنگل‌ها وجود دارد. آلودگی، دماهای بالا و خشکسالی ممکن است رشد ریشه‌ها را محدود کند و خطر بیماری را افزایش دهد. همچنین جلب حمایت جامعه برای کاشت جنگل‌های میکرو ضروری است. با توجه به این چالش‌ها، اگرچه مشکلاتی وجود دارد اما با گذشت زمان، جنگل‌های میکرو می‌توانند به کاهش آلودگی در شهرها کمک کنند و آن‌ها را به مکان‌های مطلوب‌تری برای زندگی تبدیل کنند.

تهدید شفاف‌ترین دریاچه جهان با افزایش گردشگران

سپهرغرب، گروه شهر؛ دریاچه روتومایرهونوا (Rotomairewhenua) واقع در پارک ملی نلسون در جزیره جنوبی نیوزلند که به‌عنوان شفاف‌ترین دریاچه جهان شناخته می‌شود، با افزایش چشمگیر تعداد گردشگران با تهدیدهای جدی روبه‌رو شده است.

دریاچه روتومایرهونوا که در زبان مائوری به معنای دریاچه سرزمین‌های صلح‌آمیز است، برای قبیله مائوری Ng ti Apa مکانی مقدس محسوب می‌شود و اکنون به‌دلیل خلوص بی‌نظیر آب و مناظر بکر به مقصد گردشگری محبوبی تبدیل شده است. دریاچه روتومایرهونوا به‌دلیل خلوص نوری استثنایی خود با دید بین ۷۰ تا ۸۰ متر، توجه دانشمندان و گردشگران را به خود جلب کرده است. این ویژگی، دریاچه را به یکی از شفاف‌ترین آب‌های شیرین جهان تبدیل کرده است. بزرگ‌ترین تهدید برای این دریاچه، گسترش جلبک میکروسکوپی لینداوای است که به برف دریاچه معروف است. این جلبک که یک گونه مهاجم در نیوزلند محسوب می‌شود، می‌تواند از طریق چکمه‌های کوهنوردان یا بطری‌های آب وارد دریاچه شود و با ایجاد لجن، شفافیت بی‌نظیر آن را به خطر بیندازد. فیل نویس، دانشمند ارشد تحقیقات جلبک‌ها، معتقد است که انسان‌ها عامل اصلی انتقال این جلبک به دریاچه‌های نیوزلند هستند. تحقیقات نشان داده است که تنها دریاچه‌هایی که به‌راحتی در دسترس انسان قرار دارند، به این جلبک آلوده شده‌اند.



نیز بالا رفته و تمایل به فرزندآوری را کاهش داده است. این عوامل موجب شده‌اند که نرخ زاد و ولد در ژاپن به‌ویژه در توکیو به‌شدت پایین بیاید.

جمعیت سالمندان ژاپن به رکورد ۳۶٫۲۵ میلیون نفر رسیده است و به‌طور تقریبی سالمندان یک‌سوم جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند. توکیو با جذب افراد از مناطق روستایی و خارج از کشور برای کار در شهر، این روند را کند کرده است، اما به‌زودی اثرات این تغییر جمعیتی را احساس خواهد کرد. اقتصاددانان هشدار می‌دهند که با شروع بازنشستگی کارگران سالخورده، تعداد کارگران جوانی که جایگزین آنها خواهند شد، کافی نخواهد بود و این موضوع می‌تواند منجر به مشکلات جدی برای اقتصاد شهر شود.

پیش‌بینی می‌شود که جمعیت کشور از ۱۲۷ میلیون نفر به ۸۸ میلیون نفر تا سال ۲۰۶۵ کاهش یابد و بیش از یک سوم ساکنان بالای ۶۵ سال سن داشته باشند. دولت برای مقابله با این مشکلات، پیشنهاد داده است که به خانواده‌ها برای خروج از پایتخت شلوغ کمک مالی کند تا شهرهای روستایی احیا شوند و نرخ زاد و ولد افزایش یابد.

جمعیت انبوه
توکیو برای تأمین نیروی کار، افراد را از شهرها و مناطق دیگر ژاپن جذب می‌کند و این امر موجب جمعیت بیش از حد در این شهر شده است. تراکم جمعیت در برخی مناطق توکیو به بیش از ۲۰ نفر در هر کیلومتر مربع می‌رسد و این شهر را به مکانی بسیار شلوغ تبدیل کرده است که مشکلات متعددی به همراه دارد. یکی از این مشکلات کمبود مسکن است؛ اگرچه هیچ‌کدام از شهروندان توکیو در زاغه‌ها زندگی نمی‌کنند، اما بسیاری از مردم مجبورند در مسکن عمومی چند طبقه با صدها تا هزاران شهروند دیگر شریک شوند.

میانگین مساحت هر خانه در توکیو ۶۵ متر مربع است که ۷۰ درصد کمترین کشوری است و این شهر را در بین ۴۷ استان در رتبه آخر قرار می‌دهد. نرخ مالکیت خانه نیز در این شهر کمتر از ۵۰ درصد است و در رتبه ۴۶ کشوری قرار دارد.

انزوای اجتماعی
توکیو، به‌عنوان یک کلانشهر پرجمعیت، با معضل انزوای اجتماعی دست و پنجه

نرم می‌کند که به‌ویژه سالمندان و جوانان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. پدیده‌ی «هیکیکوموری» که به‌کناره‌گیری افراد از جامعه و ماندن طولانی‌مدت در خانه اشاره دارد، حدود ۱٫۵ میلیون نفر را در ژاپن، از جمله توکیو، تحت تأثیر قرار داده است. سالمندان نیز به‌دلیل نداشتن ارتباط



اجتماعی با احساس تنهایی روبه‌رو هستند که این موضوع نرخ مرگومیر و خودکشی را در میان این قشر آسیب‌پذیر افزایش داده است.

دولت محلی توکیو در تلاش است تا با ایجاد مراکز حمایتی و برنامه‌های اجتماعی، انزوای اجتماعی را کاهش دهد و آگاهی عمومی را درباره اهمیت ارتباطات انسانی افزایش دهد. با این حال، مقابله مؤثر با این معضل نیازمند تلاش‌های مستمر و جامع‌تری است تا کیفیت زندگی ساکنان را ارتقا دهد و حس تعلق به جامعه را در آنها تقویت کند.

معضلات زیست‌محیطی
صنعت گسترده و جمعیت انبوه توکیو موجب افزایش دما به میزان سه درجه سانتیگراد در طول قرن گذشته شده است، در حالی که این رقم در کل ژاپن یک درجه ثبت شده است. ژاپن سالانه ۱٫۲ میلیارد تن دی‌اکسیدکربن تولید می‌کند و به‌عنوان پنجمین تولیدکننده بزرگ کربن در جهان شناخته می‌شود؛ بیش از ۶۲ میلیون تن از این گاز از منطقه شهری توکیو منتشر می‌شود و پیامدهایی همچون افزایش دما و آلودگی هوا را به همراه دارد. سالانه ۰٫۶ هزار

مرگ زودرس به‌دلیل آلودگی هوا در ژاپن رخ می‌دهد. دولت توکیو در تلاش است تا با استفاده از فناوری‌های نوین و

مشکل زیست‌محیطی جدی مواجه‌اند، اما جنگل‌های میکرو به‌عنوان راه‌حلی نوآورانه در حال تغییر این روند هستند. این جنگل‌های کوچک و متراکم که با استفاده از گونه‌های بومی در فضاهای محدود شهری کاشته می‌شوند، به کاهش آلودگی و بهبود کیفیت هوا کمک می‌کنند.

در شهرهای شلوغ و آلوده، تحولی سبز در حال شکل‌گیری است که به بازگرداندن طبیعت به فضاهای شهری کمک می‌کند. جنگل‌های میکرو، که به‌عنوان نواحی کوچک و متراکم از درختان جنگلی تعریف می‌شوند، در شهرهایی از جمله لندن و لس‌آنجلس کاشته می‌شوند. این جنگل‌ها با استفاده از تکنیک جنگل‌کاری میاواکی که توسط پروفیسور آکیرا میاواکی، متخصص گیاه‌شناسی ژاپنی، در دهه ۱۹۷۰ توسعه یافته است، ایجاد می‌شوند.

طبق گزارش سازمان ملل در سال ۲۰۲۰، بیش از ۴۲۰ میلیون هکتار جنگل از سال ۱۹۹۰ به دلایل مختلف از بین رفته است. با توجه به اینکه بیش از ۸۵ درصد جمعیت جهان در مناطق شهری زندگی می‌کنند، جنگل‌های میکرو فرصتی حیاتی برای مبارزه با تخریب جنگل‌ها فراهم می‌آوردند.

این جنگل‌ها می‌توانند در زمین‌هایی به مساحت نه متر مربع ایجاد شوند و تنها از گونه‌های بومی استفاده می‌کنند که به‌طور طبیعی در آن منطقه رشد می‌کنند. این جنگل‌ها تا ۱۰ برابر سریع‌تر از جنگل‌های تک‌گونه‌ای رشد می‌کنند و در مدت دو تا سه دهه به بلوغ می‌رسند.

از سال ۲۰۲۲، NGO Earthwatch Europe موفق به کاشت ۲۸۵ جنگل کوچک شده است که هر کدام شامل ۶۰۰ درخت هستند و می‌توانند بیش از ۵۰۰ گونه گیاهی و جانوری را در سه سال اول جذب کنند. NGO Earthwatch Europe یک سازمان غیر دولتی محیط زیستی است که هدف آن حمایت از تحقیقات علمی و حفاظت از محیط زیست از طریق همکاری و مشارکت داوطلبانه است. این سازمان بخشی از شبکه‌ای بین‌المللی است که به حفظ تنوع زیستی و یکپارچگی حیات روی زمین برای نسل‌های کنونی و آینده متعهد است.

این پروژه‌ها شامل مکان‌هایی مانند زمین‌های ورزشی و پارک‌ها در هارینگی شمال لندن هستند. همچنین برنامه‌ای به نام سوگی SUGi نیز ۲۳۰ جنگل جیبی را در ۵۲ شهر مختلف جهان از جمله تولوز فرانسه و مادرید اسپانیا ایجاد کرده است. جنگل‌های میکرو نه‌تنها کیفیت خاک، آب و هوا را در مناطق آلوده شهری بهبود می‌بخشند بلکه با ایجاد زیستگاه‌هایی برای حیات وحش مانند پرندگان و چوندگان، تنوع زیستی را افزایش می‌دهند. این جنگل‌ها همچنین با جذب باران‌های سنگین و کاهش دما، تأثیرات منفی تغییرات آب و هوایی را کاهش می‌دهند.

الیز ون میدلم، بنیان‌گذار SUGi، تأکید می‌کند که این جنگل‌ها تأثیرات مثبتی بر روحیه جامعه دارند. تعامل با طبیعت می‌تواند استرس را کاهش دهد و علائم مشکلات روانی مانند اضطراب یا افسردگی را بهبود ببخشد. همچنین این مکان‌ها به‌عنوان نقاط تعامل اجتماعی عمل می‌کنند و حس ارتباط انسانی را تقویت می‌کنند.

با وجود مزایای فراوان، چالش‌هایی نیز در کاشت این جنگل‌ها وجود دارد. آلودگی، دماهای بالا و خشکسالی ممکن است رشد ریشه‌ها را محدود کند و خطر بیماری را افزایش دهد. همچنین جلب حمایت جامعه برای کاشت جنگل‌های میکرو ضروری است. با توجه به این چالش‌ها، اگرچه مشکلاتی وجود دارد اما با گذشت زمان، جنگل‌های میکرو می‌توانند به کاهش آلودگی در شهرها کمک کنند و آن‌ها را به مکان‌های مطلوب‌تری برای زندگی تبدیل کنند.

توندراهای قطب شمال را بررسی کرده‌اند و برای نخستین بار شاهد چنین تغییراتی در مقیاس بزرگ و به‌طور تجمعی در کل توندرا بوده‌اند.

این تغییرات با سبزتر شدن قطب شمال رخ می‌دهد؛ در بعضی مناطق آلاسکا، هنگامی که پرمافراست ذوب می‌شود، گیاهان بیشتر رشد می‌کنند و موجب افزایش ذخیره‌سازی کربن می‌شوند، اما با ادامه ذوب پرمافراست، میکروپ‌ها غالب می‌شوند و در نتیجه کربن بیشتری آزاد می‌شود.

این مطالعه در شرایطی انجام شده است که نگرانی‌های فزاینده‌ای درباره فرایندهای طبیعی تنظیم‌کننده آب‌هوای زمین وجود دارد؛ فرایندهایی که خود تحت تأثیر افزایش دما قرار گرفته‌اند. اقیانوس‌ها، جنگل‌ها، خاک‌ها و سایر مخازن طبیعی کربن به‌طور تقریبی نیمی از کل انتشار گازهای گلخانه‌ای انسانی را جذب می‌کنند، اما نشانه‌هایی وجود دارد که این مخازن تحت فشار قرار گرفته‌اند.

خاک‌های منجمد قطب شمال حجم عظیمی از کربن، به‌طور تقریبی نیمی از کل کربن خاک‌های زمین را در خود ذخیره کرده‌اند که این میزان به مراتب بیشتر از کربن موجود در جو است و به همین دلیل، حفظ این کربن در خاک از اهمیت بالایی برخوردار است. با گرم‌تر شدن دما، خاک‌ها نیز گرم‌تر و مواد آلی بیشتری تجزیه می‌شوند و به این ترتیب کربن را وارد جو می‌کنند.

اکوسیستم قطب شمال که شامل سیبری، آلاسکا، کشورهای شمال اروپا و کانادا می‌شود، هزاران سال نقش مهمی در انباشت کربن و خنک کردن جو زمین ایفا کرده است، اما در حال حاضر، با گرم‌تر شدن جهان، چرخه کربن در این منطقه در حال تغییر است و نیاز به نظارت و حفاظت دقیق‌تر دارد. این یافته‌ها زنگ خطری برای آینده اکوسیستم‌های قطب شمال و تأثیرات آن بر آب‌وهوای جهانی است.

خاک‌های منجمد قطب شمال حجم عظیمی از کربن، به‌طور تقریبی نیمی از کل کربن خاک‌های زمین را در خود ذخیره کرده‌اند که این میزان به مراتب بیشتر از کربن موجود در جو است و به همین دلیل، حفظ این کربن در خاک از اهمیت بالایی برخوردار است. با گرم‌تر شدن دما، خاک‌ها نیز گرم‌تر و مواد آلی بیشتری تجزیه می‌شوند و به این ترتیب کربن را وارد جو می‌کنند.

اکوسیستم قطب شمال که شامل سیبری، آلاسکا، کشورهای شمال اروپا و کانادا می‌شود، هزاران سال نقش مهمی در انباشت کربن و خنک کردن جو زمین ایفا کرده است، اما در حال حاضر، با گرم‌تر شدن جهان، چرخه کربن در این منطقه در حال تغییر است و نیاز به نظارت و حفاظت دقیق‌تر دارد. این یافته‌ها زنگ خطری برای آینده اکوسیستم‌های قطب شمال و تأثیرات آن بر آب‌وهوای جهانی است.

خاک‌های منجمد قطب شمال حجم عظیمی از کربن، به‌طور تقریبی نیمی از کل کربن خاک‌های زمین را در خود ذخیره کرده‌اند که این میزان به مراتب بیشتر از کربن موجود در جو است و به همین دلیل، حفظ این کربن در خاک از اهمیت بالایی برخوردار است. با گرم‌تر شدن دما، خاک‌ها نیز گرم‌تر و مواد آلی بیشتری تجزیه می‌شوند و به این ترتیب کربن را وارد جو می‌کنند.

در دنیایی که همیشه به‌دلیل برتری تعداد نفرات و نقش آن‌ها در بهبود تجارت و افزایش عرضه و تقاضا، تمرکزها روی پرجمعیت‌ترین کشورهای جهان قرار دارد، همچنین از نظر فنی می‌توان شهروندی و پاسپورت و اتیکان را دریافت کرد، اما این شهروندی بر اساس متولد شدن در



سپهرغرب، گروه شهر؛ برقی‌ترین شهر جهان، آتوموری (Aomori) در شمال ژاپن است که مرکز پرورش سیب این کشور نیز محسوب می‌شود. این شهر شاهد نشست سالانه ۲۶ فوت (۷۹۲ سانتی‌متر) برف روی زمین است.

در حالی که انتظار می‌رود برقی‌ترین شهر جهان در دایره قطب شمال قرار داشته باشد، این شهر در ژاپن است. آتوموری (Aomori)، مرکز استانی با همین نام در شمال ژاپن با جمعیتی بیش از ۲۶۰ هزار نفر، عنوان شهر یخ‌بندان را دارد و به‌طور عمده بین نوامبر تا آوریل سالانه شاهد بارش ۲۶ فوت برف است.

در این زمان دمای هوای این شهر به منفی ۱۱ درجه فارنهایت کاهش پیدا می‌کند و در سردترین ماه‌های سال، ارتفاع برف جمع‌شده در کنار جاده‌های آن به چندین متر می‌رسد.

موقعیت جغرافیایی منحصربه‌فرد آتوموری بین کوه‌های هاکودا و خلیج مونتسو منجر به تولید ایرهایی می‌شود که به جای باران از آن‌ها برف می‌بارد، بارش بی‌سابقه برف در این شهر

توندراهای قطب شمال را بررسی کرده‌اند و برای نخستین بار شاهد چنین تغییراتی در مقیاس بزرگ و به‌طور تجمعی در کل توندرا بوده‌اند.

این تغییرات با سبزتر شدن قطب شمال رخ می‌دهد؛ در بعضی مناطق آلاسکا، هنگامی که پرمافراست ذوب می‌شود، گیاهان بیشتر رشد می‌کنند و موجب افزایش ذخیره‌سازی کربن می‌شوند، اما با ادامه ذوب پرمافراست، میکروپ‌ها غالب می‌شوند و در نتیجه کربن بیشتری آزاد می‌شود.

این مطالعه در شرایطی انجام شده است که نگرانی‌های فزاینده‌ای درباره فرایندهای طبیعی تنظیم‌کننده آب‌هوای زمین وجود دارد؛ فرایندهایی که خود تحت تأثیر افزایش دما قرار گرفته‌اند. اقیانوس‌ها، جنگل‌ها، خاک‌ها و سایر مخازن طبیعی کربن به‌طور تقریبی نیمی از کل انتشار گازهای گلخانه‌ای انسانی را جذب می‌کنند، اما نشانه‌هایی وجود دارد که این مخازن تحت فشار قرار گرفته‌اند.

خاک‌های منجمد قطب شمال حجم عظیمی از کربن، به‌طور تقریبی نیمی از کل کربن خاک‌های زمین را در خود ذخیره کرده‌اند که این میزان به مراتب بیشتر از کربن موجود در جو است و به همین دلیل، حفظ این کربن در خاک از اهمیت بالایی برخوردار است. با گرم‌تر شدن دما، خاک‌ها نیز گرم‌تر و مواد آلی بیشتری تجزیه می‌شوند و به این ترتیب کربن را وارد جو می‌کنند.



انتشارات تا سال ۲۰۵۰ است.

مشکل زیرساخت‌های آب
تأسیسات آب توکیو در دوران رشد اقتصادی ژاپن به‌طور گسترده‌ای توسعه یافته‌اند و بسیاری از این تأسیسات اکنون نیاز به نوسازی دارند. مشکلات تأمین آب در توکیو به‌طور عمده ناشی از زیرساخت‌های قدیمی و ۲۰٫۶ درصد از زیرساخت‌های آب ژاپن قدیمی شده‌اند که منجر به افزایش چالش‌های نگهداری برای دولت‌های محلی می‌شود. دولت توکیو به‌کندی در حال به‌روزرسانی زیرساخت‌های آب شرب خود است، با وجود اینکه آسیب‌پذیری این شهر در مقابل زلزله زنازند است.

برنامه‌های کنونی هدف دارند که تا سال ۲۰۳۱، ۶۹ درصد از زیرساخت‌های آبی مقاوم در برابر زلزله شوند. با این حال، بسیاری از تأسیسات حیاتی تا بعد از سال ۲۰۳۰ به‌روزرسانی نخواهند شد. پیش‌بینی می‌شود که جایگزینی کامل لوله‌های فرسوده در ژاپن حدود ۱۴۰ سال طول بکشد. اگر یک زلزله بزرگ قبل از تکمیل این به‌روزرسانی‌ها رخ دهد، بعضی مناطق توکیو ممکن است در زمان اوج مصرف با کمبود آب مواجه شوند که ناشی از ظرفیت ناکافی و نبود تاب‌آوری زیرساخت‌ها خواهد بود.

توندراهای قطب شمال را بررسی کرده‌اند و برای نخستین بار شاهد چنین تغییراتی در مقیاس بزرگ و به‌طور تجمعی در کل توندرا بوده‌اند.

این تغییرات با سبزتر شدن قطب شمال رخ می‌دهد؛ در بعضی مناطق آلاسکا، هنگامی که پرمافراست ذوب می‌شود، گیاهان بیشتر رشد می‌کنند و موجب افزایش ذخیره‌سازی کربن می‌شوند، اما با ادامه ذوب پرمافراست، میکروپ‌ها غالب می‌شوند و در نتیجه کربن بیشتری آزاد می‌شود.

این مطالعه در شرایطی انجام شده است که نگرانی‌های فزاینده‌ای درباره فرایندهای طبیعی تنظیم‌کننده آب‌هوای زمین وجود دارد؛ فرایندهایی که خود تحت تأثیر افزایش دما قرار گرفته‌اند. اقیانوس‌ها، جنگل‌ها، خاک‌ها و سایر مخازن طبیعی کربن به‌طور تقریبی نیمی از کل انتشار گازهای گلخانه‌ای انسانی را جذب می‌کنند، اما نشانه‌هایی وجود دارد که این مخازن تحت فشار قرار گرفته‌اند.

خاک‌های منجمد قطب شمال حجم عظیمی از کربن، به‌طور تقریبی نیمی از کل کربن خاک‌های زمین را در خود ذخیره کرده‌اند که این میزان به مراتب بیشتر از کربن موجود در جو است و به همین دلیل، حفظ این کربن در خاک از اهمیت بالایی برخوردار است. با گرم‌تر شدن دما، خاک‌ها نیز گرم‌تر و مواد آلی بیشتری تجزیه می‌شوند و به این ترتیب کربن را وارد جو می‌کنند.

اکوسیستم قطب شمال که شامل سیبری، آلاسکا، کشورهای شمال اروپا و کانادا می‌شود، هزاران سال نقش مهمی در انباشت کربن و خنک کردن جو زمین ایفا کرده است، اما در حال حاضر، با گرم‌تر شدن جهان، چرخه کربن در این منطقه در حال تغییر است و نیاز به نظارت و حفاظت دقیق‌تر دارد. این یافته‌ها زنگ خطری برای آینده اکوسیستم‌های قطب شمال و تأثیرات آن بر آب‌وهوای جهانی است.



اکوسیستم قطب شمال که شامل سیبری، آلاسکا، کشورهای شمال اروپا و کانادا می‌شود، هزاران سال نقش مهمی در انباشت کربن و خنک کردن جو زمین ایفا کرده است، اما در حال حاضر، با گرم‌تر شدن جهان، چرخه کربن در این منطقه در حال تغییر است و نیاز به نظارت و حفاظت دقیق‌تر دارد. این یافته‌ها زنگ خطری برای آینده اکوسیستم‌های قطب شمال و تأثیرات آن بر آب‌وهوای جهانی است.

خاک‌های منجمد قطب شمال حجم عظیمی از کربن، به‌طور تقریبی نیمی از کل کربن خاک‌های زمین را در خود ذخیره کرده‌اند که این میزان به مراتب بیشتر از کربن موجود در جو است و به همین دلیل، حفظ این کربن در خاک از اهمیت بالایی برخوردار است. با گرم‌تر شدن دما، خاک‌ها نیز گرم‌تر و مواد آلی بیشتری تجزیه می‌شوند و به این ترتیب کربن را وارد جو می‌کنند.

اکوسیستم قطب شمال که شامل سیبری، آلاسکا، کشورهای شمال اروپا و کانادا می‌شود، هزاران سال نقش مهمی در انباشت کربن و خنک کردن جو زمین ایفا کرده است، اما در حال حاضر، با گرم‌تر شدن جهان، چرخه کربن در این منطقه در حال تغییر است و نیاز به نظارت و حفاظت دقیق‌تر دارد. این یافته‌ها زنگ خطری برای آینده اکوسیستم‌های قطب شمال و تأثیرات آن بر آب‌وهوای جهانی است.

خاک‌های منجمد قطب شمال حجم عظیمی از کربن، به‌طور تقریبی نیمی از کل کربن خاک‌های زمین را در خود ذخیره کرده‌اند که این میزان به مراتب بیشتر از کربن موجود در جو است و به همین دلیل، حفظ این کربن در خاک از اهمیت بالایی برخوردار است. با گرم‌تر شدن دما، خاک‌ها نیز گرم‌تر و مواد آلی بیشتری تجزیه می‌شوند و به این ترتیب کربن را وارد جو می‌کنند.

اکوسیستم قطب شمال که شامل سیبری، آلاسکا، کشورهای شمال اروپا و کانادا می‌شود، هزاران سال نقش مهمی در انباشت کربن و خنک کردن جو زمین ایفا کرده است، اما در حال حاضر، با گرم‌تر شدن جهان، چرخه کربن در این منطقه در حال تغییر است و نیاز به نظارت و حفاظت دقیق‌تر دارد. این یافته‌ها زنگ خطری برای آینده اکوسیستم‌های قطب شمال و تأثیرات آن بر آب‌وهوای جهانی است.

خاک‌های منجمد قطب شمال حجم عظیمی از کربن، به‌طور تقریبی نیمی از کل کربن خاک‌های زمین را در خود ذخیره کرده‌اند که این میزان به مراتب بیشتر از کربن موجود در جو است و به همین دلیل، حفظ این کربن در خاک از اهمیت بالایی برخوردار است. با گرم‌تر شدن دما، خاک‌ها نیز گرم‌تر و مواد آلی بیشتری تجزیه می‌شوند و به این ترتیب کربن را وارد جو می‌کنند.

ویژگی شهرهای خلاق

سپهرغرب، گروه شهر: شهرهای خلاق با احترام به تنوع فرهنگی و تشویق اشکال مختلف بیان خلاق، به فراگیری اولویت می‌دهند. این فراگیری کیفیت زندگی را برای همه ساکنان بهبود می‌بخشد و حس تعلق آنها را تقویت می‌کند. شهرها باید برای شوکفا شدن خلاقیت، زیرساخت‌های کافی همچون فضاهای کاری مقرون به‌صرفه، مکان‌های فرهنگی و امکانات رفاهی عمومی را فراهم کنند. بسیاری از شهرهای خلاق شیوه‌های پایداری را اتخاذ می‌کنند که ملاحظات زیست‌محیطی را در برنامه‌ریزی شهری ادغام می‌کند. شهروندان در حمایت از فضاهای سبز، گزینه‌های حمل‌ونقل پایدار و ابتکارات سازگار با محیط زیست نقش دارند که به رفاه کلی شهر کمک می‌کنند. مشارکت شهروندان خلاق برای شکل‌دهی محیط‌های شهری پویا و انعطاف‌پذیر، نه‌تنها جوامع را بهبود می‌بخشد، بلکه به اهداف گسترده‌تر توسعه اقتصادی و برابری اجتماعی در شهرها نیز کمک می‌کند. با ادامه تکامل شهرها در پاسخ به چالش‌های جهانی، حضور شهروندان خلاق برای ارائه راه‌حل‌های نوآورانه حیاتی خواهد بود. شهرهای خلاق از طریق مشارکت دادن مردم در برنامه‌ریزی و توسعه شهر، محیط شهری را شکل می‌دهند که نیازها و آرزوهای جامعه را بهتر منعکس می‌کنند و حس مالکیت و مسئولیت را در بین ساکنان افزایش می‌دهند.

sepehrgharb.news@gmail.com



سپهرغرب، گروه شهر: درک دقیق و متعادل از تاریخ مشترک یک منطقه برای تقویت ارتباطات و ترویج همزیستی مسالمت‌آمیز ضروری است، اما گاهی اختلافات بر سر تاریخ، فرهنگ و حتی غذا بستری برای ایجاد دردهسهای

جدید می‌شود.

مسئله بهره‌برداری از تاریخ مشترک موضوعی پیچیده است و اغلب ناشی از تفسیرهای متفاوت از رویدادهای تاریخی، احساسات ناسیونالیستی و اهداف سیاسی است.

مورخان و جوامع مختلف ممکن است رویدادهای یکسان را به شیوه‌های گوناگونی تفسیر کنند که تحت تأثیر دیدگاه‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و حتی تجربیات شخصی قرار گرفته است. برای مثال، یک واقعه تاریخی که برای یک ملت نشانه پیروزی و افتخار است، ممکن است برای ملت دیگر نشانه شکست و تحقیر تلقی شود.

ناسیونالیسم، به معنای وفاداری و افتخار به ملت خود، می‌تواند نقش مهمی در شکل‌دهی به روایات تاریخی داشته باشد. دولت‌ها و جوامع اغلب از تاریخ برای تقویت هویت ملی و ایجاد حس اتحاد و تعلق میان شهروندان استفاده می‌کنند. در این راستا، ممکن است رویدادهای تاریخی به‌گونه‌ای گزینش و برجسته شوند که به نفع تصویر مثبت از ملت باشد، در حالی که جنبه‌های منفی یا ناخوشایند آن نادیده یا کم‌اهمیت جلوه داده شود.

تاریخ می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای پیشبرد اهداف سیاسی مورد استفاده قرار گیرد. دولت‌ها ممکن است از روایت‌های تاریخی برای توجیه سیاست‌های خود، بسیج افکار عمومی یا مشروعیت بخشیدن به ادعاهای ارضی استفاده کنند. برای مثال، اختلافات بر سر منشأ بعضی از شخصیت‌های تاریخی، رویدادها و شیوه‌های فرهنگی در چین و کره همواره وجود داشته است. بعضی از اختلافات شامل ادعاهایی در مورد مبدأ پادشاهی گوگوریو، لباس سنتی و طب سنتی است که اغلب از احساسات ناسیونالیستی و تمایل به اثبات سلسله فرهنگی ناشی می‌شود. یک اختلاف طولانی‌مدت نیز بین یونان و مقدونیه شمالی بر سر نام «مقدونیه» وجود داشت، زیرا یونان استدلال می‌کرد که این نام به معنای ادعای ارضی بر منطقه مقدونیه در یونان است و تاریخ و میراث یونانی مرتبط با اسکندر مقدونی را تصاحب می‌کند. این اختلاف با تغییر نام مقدونیه شمالی حل شد، اما تنش‌ها و تفسیرهای تاریخی متفاوت همچنان ادامه دارد.

اختلافات تاریخی بین چین و کره

مشهورترین موضوع بین این دو کشور پادشاهی گوگوریو بود. گوگوریو یک پادشاهی باستانی بود که بر قلمرو وسیعی حکومت می‌کرد و بخش‌هایی از کره و چین امروزی را در بر می‌گرفت. کره‌ای‌ها گوگوریو را بخشی جدایی‌ناپذیر از تاریخ کره می‌دانند و بر بنیانگذاران کره‌ای آن و سهم آن در فرهنگ و هویت کره‌ای تأکید می‌کنند، اما بعضی چینی‌ها استدلال می‌کنند که گوگوریو یک قدرت منطقه‌ای تحت سلسله‌های چینی بوده و بنابراین بخشی از

سپهرغرب، گروه شهر: صورتی رنگی آرامش‌بخش در طیف رنگی گسترده با انگرداری مثبت است که با تلفیق شادابی و لطافت، به محیط هویت و جوی آرام می‌بخشد و در ترکیب با دیگر رنگ‌ها انعطاف‌پذیری بالایی در ارائه تأثیرات مثبت خود نشان می‌دهد.

در سال‌های اخیر رنگ صورتی فراتر از تداغی‌های سنتی خود تکامل پیدا کرده و به عصری پیچیده و همه‌کاره در معماری و طراحی داخلی تبدیل شده است. صورتی در فضای داخلی معاصر نقش برجسته‌ای دارد و فراتر از انتخاب رنگ صرف است. انتخاب این یک رنگ نوعی استراتژی طراحی محسوب می‌شود. رنگ صورتی چنانچه به‌طور متفکرانه استفاده شود، فضاها را متحول می‌کند و موجب احساس جذابیت، گستردگی یا جاودانگی می‌شود.

صورتی در فرهنگ و معماری

جالب‌توجه اینکه صورتی مدت‌هاست در سنت‌های فرهنگی و معماری سراسر جهان ایفای نقش می‌دند. در ژاپن سه‌سایه‌های طریف به رنگ شوکوفه‌های گیلاس (ساکورا) نماد زیبایی و گذرا بودن است و مضامین ناپایداری را منعکس می‌کند که در جشنواره‌های هانامی جشن گرفته می‌شود. در چین صورتی هلوویی از نظر تاریخی با طول عمر مرتبط است و این امر در ادبیات کلاسیک همچون سفر به غرب منعکس شده است.

رنگ صورتی همچنین از خانه‌های صورتی ملایم سافولک با در انگلستان گرفته تا نماهای سفالی هوامعل (Hawa Mahal) در شهر صورتی چیور هند، در سنت‌های معماری سراسر جهان نیز نقش داشته است. در مکزیک و اسپانیا، لوئیس باراگان و ریکاردو بوئیل به‌طور ماهرانه‌ای از این رنگ در معماری مدرنیستی در

دردسر تاریخ‌های مشترک برای کشورهای مختلف



اختلاف تاریخی بین این دو کشور به‌طور عمده حول محور نام مقدونیه و ادعاهای فرهنگی و تاریخی مرتبط با آن می‌چرخد. این مناقشه ریشه‌های تاریخی دارد و در طول سال‌ها، به‌ویژه در زمینه هویت ملی، میراث و روابط مورد توجه قرار گرفت. مقدونیه باستان از نظر تاریخی اهمیت بسیاری دارد زیرا زادگاه اسکندر مقدونی بوده و نقش محوری در پادشاهی باستانی مقدونیه ایفا کرده است. میراث اسکندر منبع افتخار برای یونانیان و مردم مقدونیه شمالی است.

تاریخ چین است. این دیدگاه با پروژه شمال شرق برجسته شد؛ یک پروژه تحقیقاتی با بودجه دولت چین که هدف آن گنجاندن تاریخ گوگوریو در روایت گسترده‌تر تاریخ چین بود و جنجال شدیدی را در کره برانگیخت.

لباس سنتی یکی دیگر از موارد اختلاف بین چینی‌ها و کره‌ای‌ها است. چینی‌ها معتقدند لباس سنتی کره‌ای موسوم به هانبوک از لباس سنتی چینی موسوم به هانفو منشأ گرفته است، در حالی که کره‌ای‌ها می‌گویند هانبوک تاریخ و توسعه متمایز خود را دارد که تحت تأثیر عوامل مختلف منحصربه‌فرد شبه‌جزیره کره قرار گرفته است. کره‌ای‌ها در حالی که تأثیرات تاریخی را تصدیق می‌کنند، بر ویژگی‌های متمایز آن تأکید می‌کنند.

اختلافاتی این دو بر سر مبدأ و مالکیت بعضی از شیوه‌ها و دانش‌ها در طب سنتی وجود دارد. اگرچه طب سنتی کره‌ای که به‌عنوان هانبانگ شناخته می‌شود، ریشه‌های مشترکی با طب سنتی چینی دارد، اما تاریخ و توسعه متمایز خود را داراست و کره‌ای‌ها استدلال می‌کنند که هانبانگ به‌طور مستقل تکامل یافته است و باید به‌عنوان یک سیستم پزشکی جداگانه شناخته شود. بعضی کارشناسان چینی استدلال می‌کنند که تمام دانش پزشکی سنتی در شرق آسیا در نهایت از چین سرچشمه می‌گیرد، بنابراین توسعه مستقل هانبانگ را کم‌اهمیت جلوه می‌دهند. موضوع ناسیونالیسم کره‌ای و چینی نقش مهمی در این قبیل موضوعات ایفا می‌کنند، چراکه اثبات غنی بودن فرهنگ و تاریخ اغلب به‌عنوان راهی برای تقویت هویت و غرور ملی تلقی می‌شود.

درک نفوذ و سلطه فرهنگی یک عامل اساسی

می‌شود و برای بسیاری از مردم مقدونیه شمالی، این نام نمایانگر هویت ملی و روایت تاریخی خودشان بود.

یک توافق اولیه در سال ۱۹۹۵ با هدف حل اختلاف نام حاصل شد. پس از سال‌ها مذاکره، با امضای توافقنامه پرسپا در ژوئن ۲۰۱۸ پیشرفتی حاصل شد که بر اساس آن جمهوری مقدونیه پذیرفت نام کشور را به جمهوری مقدونیه شمالی تغییر دهد. در ازای این تغییر، یونان موافقت کرد که مخالفت خود را با آرمان‌های عضویت مقدونیه شمالی در ناتو و اتحادیه اروپا لغو کند. این توافقنامه توسط هر دو کشور تصویب شد و مقدونیه شمالی به‌صورت رسمی در اوایل سال ۲۰۱۹ نام خود را تغییر داد.

با وجود حل اختلاف بر سر نام، مسائل مربوط به میراث فرهنگی و روایات تاریخی در زیرلایه‌های اجتماعی مردم وجود دارد. هر دو کشور به ترویج تفسیرهای خود از رویدادهای تاریخی، شخصیت‌ها و نمادهای مرتبط با مقدونیه ادامه می‌دهند. نگرانی‌های مداومی در مورد مطالب آموزشی در هر دو کشور وجود دارد. علاوه بر این، میراث فرهنگی مرتبط با مقدونیه به‌گونه‌ای است که هر دو کشور را به هم مرتبط می‌کند.

جمهوری یوگسلاوی مقدونیه پس از کسب استقلال از یوگسلاوی در سال ۱۹۹۱، نام جمهوری مقدونیه را برگزید که منجر به ایجاد تنش با یونان شد، زیرا یونان نیز منطقه‌ای به نام مقدونیه داشت. یونان استدلال می‌کرد که استفاده از نام مقدونیه توسط کشور جدید، به معنای ادعای ارضی بر منطقه مقدونیه یونان و تصاحب میراث فرهنگی یونان است. در یونان، یک ارتباط عاطفی قوی با نام مقدونیه وجود داشت که به‌عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از تاریخ و هویت یونان تلقی

می‌کنند. مکان‌های فرهنگی و امکانات رفاهی عمومی را فراهم کنند. بسیاری از شهرهای خلاق شیوه‌های پایداری را اتخاذ می‌کنند که ملاحظات زیست‌محیطی را در برنامه‌ریزی شهری ادغام می‌کند. شهروندان در حمایت از فضاهای سبز، گزینه‌های حمل‌ونقل پایدار و ابتکارات سازگار با محیط زیست نقش دارند که به رفاه کلی شهر کمک می‌کنند. مشارکت شهروندان خلاق برای ارائه راه‌حل‌های نوآورانه حیاتی خواهد بود. شهرهای خلاق از طریق مشارکت دادن مردم در برنامه‌ریزی و توسعه شهر، محیط شهری را شکل می‌دهند که نیازها و آرزوهای جامعه را بهتر منعکس می‌کنند و حس مالکیت و مسئولیت را در بین ساکنان افزایش می‌دهند.

دردسر تاریخ‌های مشترک برای کشورهای مختلف



می‌شود. هر دو کشور ارتباط با تمدن دره سند را تأیید می‌کنند، اما تفسیر شیوه‌های فرهنگی مذهبی آنها متفاوت است. امپراتوری مغول به‌طور متفاوتی در هند و پاکستان دیده می‌شود؛ هندی‌ها بر نقش این امپراتوری در هنر، معماری و فرهنگ تأکید می‌کنند، در حالی که پاکستانی‌ها نقش آن را در ترویج تمدن اسلامی در شبه‌قاره برجسته می‌سازند.

گره‌گام از کشورها احساس می‌کند که روایات تاریخی خودشان صحیح است اما نکته اینجاست که روایات تاریخی متضاد به بی‌اعتمادی بین کشورها دامان می‌زند و حل اختلافات و ایجاد روابط صلح‌آمیز را دشوارتر می‌کند. به همین دلیل درک دقیق‌تر و متعادل‌تر از تاریخ مشترک منطقه برای تقویت آشتی و ترویج همزیستی مسالمت‌آمیز ضروری است.

مناقشه آلمان و ترکیه بر سر کباب

همواره اختلافات بین دو کشور سیاسی یا تاریخی نیست. آلمان و ترکیه یک مناقشه شناخته‌شده دارند و آن هم دوتزکباب است. این غذای محبوب متشکل از گوشت نازک ورقه شده که در نان یا سالاد و سس سرو می‌شود، به کانون یک مناقشه فرهنگی تبدیل شده است. این اختلاف پس از آن آغاز شد که ترکیه به دنبال حمایت اتحادیه اروپا از روش‌های سنتی تهیه کباب ترکی خود بود و هدفش این بود که دستور پخت خود را مشابه موزارلا یا پیتزای ناپلی به رسمیت بشناساند. این اقدام بحث‌هایی را در آلمان برانگیخت زیرا آن‌ها این غذا به یک نسخه منحصر به فرد کشور خود می‌دانند.

کباب ترکی در ترکیه نشأت گرفت و در دهه ۱۸۰۰ در سراسر امپراتوری عثمانی گسترش

شهر ۱۱

روزنامه صبح **شهر** کشور

■ پنجشنبه ۲ اسفندماه ۱۴۰۳ ■ شماره ۳۰۷۰ ■

www.sepehrpress.ir

یافت. مهاجران ترک این غذا را در دهه ۱۹۶۰، به عنوان بخشی از برنامه کارگر مهمان با هدف رفع کمبود نیروی کار در دوران پس از جنگ، به آلمان معرفی کردند. با گذشت زمان، کباب ترکی به یک غذای ملی محبوب در آلمان تبدیل شده است، به طوری‌که بیش از ۱۵ هزار مغازه کباب فروشی در این کشور وجود دارد و حدود یک سوم آلمانی‌ها حداقل یک‌بار در ماه آن را مصرف می‌کنند. ارزش بازار سالانه کباب ترکی در اروپا حدود هفت میلیارد یورو است.

از نظر آلمانی‌ها مدل کباب ترکی آن‌ها یک سنت فرهنگی متمایز است و اکنون این اختلاف نگرانی‌هایی را در مورد تأثیر احتمالی بر هویت و تنوع آشپزی آلمان ایجاد کرده است. برخی از منتقدان، اقدام ترکیه را حمله به هویت آلمان و تلاش برای خدشه‌دار کردن انحصار غذای ملی آلمان خوانده‌اند. وزارت غذای فدرال آلمان اعلام کرده است که کباب بخشی از هویت آلمان است و تنوع روش‌های تهیه آن، بازتاب دهنده تنوع این کشور است.

آرپا؛ نبرد خوشمزه بین کلمبیا و ونزوئلا

آرپا، یک کیک ذرت آردی، موضوع یک اختلاف آشپزی بین کلمبیا و ونزوئلا است. هر دو کشور آرپا را غذای خود می‌دانند که عمیقاً در هویت فرهنگی آنها تنیده شده است. این رقابت به بحث و جدل در مورد اینکه چه کسی آرپای بهتری درست می‌کند و منشأ آن کجاست، گسترش پیدا کرده است.

منشأ آرپا به دوران پیش از کلمب بازمی‌گردد، زمانی که قبایل بومی در کلمبیا و ونزوئلا ذرت سفید را آسیاب می‌کردند و به صورت کنتل‌های گرد درمی‌آوردند. کشاورزان اسپانیایی در قرن‌های ۱۵ و ۱۶ مشاهده کردند که مردم بومی این کیک‌های ذرت را مصرف می‌کنند. اعتقاد بر این است که اصطلاح آرپا از مردم کومانائوتو، که در حال حاضر شمال و شرق ونزوئلا زندگی می‌کردند، گرفته شده است.

در حالی‌که هر دو کشور از خمیر ذرت برای تهیه آرپا استفاده می‌کنند، نحوه سرو آنها متفاوت است. آرپاهای کلمبیایی اغلب به‌صورت ساده با نمک و کره یا پر شده با پنیر سرو می‌شوند. آنها ممکن است با غذاهای اصلی ونزوئلایی اغلب به‌عنوان یک وعده غذایی کامل سرو می‌شوند و سخاوتمندانه با مواد مختلفی مانند گوشت‌های خوش طعم، پنیر و آووکادو پر می‌شوند. آرپاهای کلمبیایی معمولاً تردتر است، در حالی که آرپاهای ونزوئلایی نرم‌تر است. کلمبیایی‌ها معمولاً آرپا را از فروشگاه‌ها خریداری می‌کنند، در حالی که ونزوئلایی‌ها ترجیح می‌دهند آن را در خانه درست کنند. آرپاهای ونزوئلایی از آرد ذرت تهیه می‌شوند، در حالی که برخی از نسخه‌های کلمبیایی از ذرت کامل استفاده می‌کنند.

نیکلاس مادورو، رئیس‌جمهور ونزوئلا، از آرپا به‌عنوان نمادی از غرور ملی یاد کرده است و ادعا می‌کند که این غذا منحصراً متعلق به ونزوئلا است. از آنجایی که میلیون‌ها ونزوئلایی به کشورهای مختلف مهاجرت کرده‌اند، آرپا در سراسر جهان گسترش پیدا کرده که این امر باعث ایجاد اختلافات آشپزی شده است.

مشتري را افزايش مي‌دهد و با رعايت عنصر آرامش همراه است.

صورتی و معماری

رنگ صورتی به‌عنوان وسیله‌ای برای آزمایش‌های معماری می‌تواند به شکل‌دهی یک فضا از طریق بازتاب‌ها، بافت‌ها و مواد پاسخ‌دهنده به نور کمک کند که به‌طور مداوم تجربه فضایی را بازتعریف می‌کنند. طراحان رویکرد موسوم رنگ‌آمیزی تمام سطوح به رنگ صورتی را رد کرده و در عوض استفاده از شیشه‌های رنگی را برای ایجاد فضای صورتی از طریق انعکاس نور انتخاب کرده‌اند. رنگ‌های صورتی با رنگ‌های خاکستری و پرداخت‌های فلزی تعامل دارند و جلوه‌ای پویا ایجاد می‌کنند که با نور و حرکت تغییر می‌کند.

آرایشگاهی در ژاپن صورتی را از طریق کاشی‌های آجری با اندازه‌های سفارشی در طیف رنگ‌های مختلف، با الهام از معماری مراکشی و خاورمیانه به کار گرفته است که نقشی بافتی به خود می‌گیرد. این کاشی‌های دست‌ساز، همراه با دیوارهای رنگ‌آمیزی‌شده با تکنیک دو رنگ، محیطی را ایجاد می‌کنند که به‌طور ماهرانه‌ای در طول روز تغییر می‌کند، زیرا نور طبیعی درک رنگ را تغییر می‌دهد. این رویکرد تضمین می‌کند که هیچکس در این سالن در دو لحظه مختلف احساس یکسانی نداشته باشد و به بازدیدکنندگان یک تجربه بصری در حال تکامل را ارائه می‌دهد.

ایستگاهی در تایوان نیز از رنگ صورتی در پائل‌های سفقی گل‌دار استفاده کرده که از مردم، سنت پل زدن و طراحی معاصر الهام گرفته است. ادغام رنگ صورتی در این ایستگاه با سطوح چاپ‌شده در مقیاس بزرگ، به نوعی ادای احترام به صنایع متنی محلی تایوان است و در عین حال تجربه مسافران را از طریق فرهنگ محلی غنی می‌کند.

هند و پاکستان

نظریه مهاجرت آرپایی‌ها به شبه‌قاره هند نیز به‌طور متفاوتی در هند و پاکستان تفسیر

هویت بخشی رنگ صورتی به محیط و معماری

راستای افزایش عمق فضایی و تعامل با نور طبیعی استفاده کرده‌اند.

رنگ صورتی فراتر از نمادهای تاریخی و فرهنگی، ابزاری قدرتمند برای ساختن محیط‌ها به‌واسطه بافت و ظرفیتی است که به معماران و طراحان ارائه می‌دهد.

دیوارهای صورتی مات می‌توانند حس لطافت و گرما را ایجاد، نور را به‌طور یکتوخت پخش و فضایی آرام فراهم کنند، در مقابل روسازی‌های صورتی براق یا لاک‌ی عنصری از پیچیدگی را ارائه می‌دهند، نور را منعکس می‌کنند و به فضا عمق می‌بخشند.

رنگ‌های صورتی مخملی کم‌رنگ می‌توانند کیفیت مجسمه‌سازی را تداعی کنند و شیشه یا رزین صورتی شفاف می‌توانند جلوه‌های لایه‌بندی ظریفی را ایجاد کند که به نور اجازه می‌دهد با درخشش گرم عبور کند. تداخل رنگ صورتی با مواد مختلف نه‌تنها بر تجربه بصری، بلکه بر ادراک لمسی یک فضا نیز تأثیر می‌گذارد و به طراحان اجازه می‌دهد تا حالت و محیط را با دقت شکل دهند.

صورتی، شکل‌دهنده جو آرامش‌بخش

رنگ صورتی با تنظیم خلق‌وخو، تقویت ادراک فضایی و تقویت ارتباطات عاطفی نقش مهمی در دگرگونی فضاها ایفا کند. صورتی موسوم به غبارآلود را می‌توان به‌عنوان رنگی یکپارچه معرفی کرد که گرما و شخصیت را به یک فضای داخلی رنگ‌رنگ القا و فضای آن را آرام می‌کند. ادغام یکپارچه رنگ صورتی در چیدمانی جمع‌وجور، حس انسجام و جریان را افزایش می‌دهد. ترکیب رنگ صورتی با سایر رنگ‌های پر جنب و جوش به ایجاد یک فضای لایه‌بندی

